

قمار امیر کابلی

غم در ره دل کمین نموده
شبخون زده قصد کین نموده
معشوق گریز پا باز
بر عرش قبول تمکین نموده
عجوزه صد هزار شوهر
سرخاب زده آذین نموده
اهریم بت تراش طرح
وینوس مرمیرین نموده
با شعف سرور باع عدن را
برد ختر رز کا بین نموده
از لعل مذا اب آتشین خو
لبریز قدح سا تگین نموده
کرزی بمیان بسته جا من
زنگ بسته و گنبدین نموده
گسترده به ارگ بهربازی
فرشی ز سرخ قالین نموده
احدی به باد داده است زلف
خوشبو ز عطر چین نموده
طافت ز فرط شادمانی
با تیل مساز سرین نموده
صندل به بخونها ده است یون
از نافه مشک تد خین نموده
خنیا گرا عنون فرنگ
سمفونی صلح طنین نموده
طغرای ظفر، صلح و آشتی
حک بر بصر نگین نموده
هر چند که مکین تسلی داده
زهرة صنم آبگین نموده
استاره بخت کی افول کرد
گل تا به چمن قرین نموده
شورای نظار ز باد صرصر

افسرده، پریش، حزین نموده
آنا نکه به باد تمکین نموده
بر حسرت و آه با لین نموده
تا چهره خود گرگین نموده
بزبسته به قاش زین نموده
دشمن بچه دل سمین نموده
کاین حمله با سقین نموده
غرغره به دار غین نموده
احساس دم پسین نموده
ویرانه قصر گلین نموده
آمادگی کی برین نموده؟
آمادگی این چنین نموده
زیرجامه زترس رنگین نموده
کالبد تهی قرین نموده
بس حمله که ناقلین نموده
نی جنگ که کفرو دین نموده
امری که دزدان حزین نموده
امیر چه درس گزین نموده؟

کم باد شود عراده شان

دور اتن است قرصک شوق

بز بچه بکوه لرزد از ترس

در بازی بزکشی شیا دان

بازشاخ به شاخ مومنین است

دل خوش به چه بازامیرگشته

امیرهرات چو خایه از ترس

روباه و شغال و گرگ کفتار

ترسم که چو پارچنگ میران

تجزیه خاک کی قصد دارد؟

اوباش خبیث بهر نفعش

افسار گسیخته **بولهب** ها

غارتگران شهر **کابل**

درپسته شهرجاه تنگ است

امروزجدال برای جاه است

تصفیه زلوٹ، شهر و دفتر

ازدردری به کوه و صحرا

آیا امیر همانکه بود هست؟

یا نقش دگر تحسین نموده

همدستی راستین نموده

فکریست که امیر تمرین نموده

با مایه ای جان تلقین نموده

پیروزی کرا تضمین نموده

بر شبیه امیر یقین نموده

کود تایی باز تدوین نموده

باز آرزوی بی کرین نموده

امروز امیر با عمو سام

پرواز به ماورای قندز

پیروزی درین مصاف برخود

در فن قمار امیر، استاد

هرچند که قمار شبیه ناک است

کنجاره بخواب بیند امیر

چون بقیه طلب گشته امیر

2016/4/21

